

تحلیل روندهای جمهوری اسلامی ایران بر پایه آینده پژوهی

امیر علی مددی^۱
احسان شاکری خوبی^{۲*}
عزیز جوانپور هروی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۹/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۶/۲

10.22124/wp.2021.18573.2720

۲۱۹



فصلنامه علمی سیاست جهانی، دوره دوم، شماره ششم، پاییز ۱۴۰۰، شماره پیاپی ۳۷ (صفحات: ۱۹-۲۴)

چکیده

جمهوری اسلامی ایران از چهار دهه پیش تاکنون، به دلیل دشمنی های قدرتمند فرامنطقه‌ای، منطقه‌ای و همچنین مشکلات تاریخی داخلی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، درگیر مسائلی بوده است که در بستر روندهای تاریخی اجتماعی و چالش های ناشی از روندهای برآمدن قدرت های سلطه گر و مداخله گر غربی قابل درک است. هدف این پژوهش، تبیین و ترسیم سناریوهای مختلف برای آینده روندهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران است. مقاله پیش رو درصدد است تا بر اساس روش توصیفی تحلیلی، با تأکید بر رویکرد آینده‌پژوهی و با استفاده از جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات به این پرسش پاسخ دهد که چه آینده‌ای را می‌توان برای روندهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران ترسیم کرد؟ بدین ترتیب پس از بررسی مسائل و روندهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و با استفاده از سه دسته سناریو (کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت)، تعداد یازده سناریو تنظیم گردید که هر یک از این سناریوها از زوایایی به روندها اشاره می‌نماید که در چشم‌انداز کوتاه‌مدت، امکان تحقق سناریوهای "ادامه وضعیت باثبات و اقتدار کنونی"، "تقلای قدرت های استکباری برای اجماع جهانی علیه ایران" محتمل‌تر بوده و در چشم انداز میان مدت و بلند مدت نیز ناکامی سناریوهای طراحی شده بر علیه جمهوری اسلامی ایران تبیین شده است.

واژگان کلیدی: آینده‌پژوهی، روندهای اجتماعی، روندهای اقتصادی، روندهای بین‌المللی

۱. دکتری رشته علوم سیاسی گرایش مسائل ایران، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.
۲. استادیار و عضو هیئت علمی، گروه علوم سیاسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران
* نویسنده مسئول: shakeriehsan2021@yahoo.com
۳. استاد یار و عضو هیئت علمی، گروه الهیات و علوم سیاسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران..

مقدمه

تحلیل روندهای اجتماعی و اقتصادی به همه دولت‌ها کمک می‌کند که در جهت منافع خود بر تحولات تأثیرگذار باشند. جمهوری اسلامی ایران با توجه به شرایط خاص ناشی از انقلاب اسلامی، در طول ۴۰ سال گذشته با تحولات مختلف سیاسی روبه‌رو بوده که ناشی از شرایط و مسائل تاریخی داخلی و دشمنی‌های بازیگران بیرونی از قبیل عراق بعثی، رژیم صهیونیستی و آمریکا بوده است. محیط سیاسی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران با مسائل تحمیلی متعددی روبه‌رو بوده است که در طول چهار دهه گذشته سبب مقاوم شدنش گردیده است. شاخص‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و امنیتی و همچنین الزامات ژئوپلیتیکی منطقه، زمینه مداخله جویی بازیگران فرامنطقه‌ای را موجب شده و به افزایش میزان نوسانات قدرت در حوزه‌های امنیتی ایران انجامیده است. محیطی که از یک‌سو، مهم‌ترین موضوعات بحران‌ها، مسائل امنیتی بین‌المللی نظیر مداخله جویی قدرت‌های فرامنطقه‌ای، اشاعه تروریسم، افراط‌گرایی تکفیری و وهابیت، مسابقه تسلیحاتی در منطقه و... بوده و از سوی دیگر، بازیگری مانند ایران که دائماً نظام سلطه جهانی به رهبری آمریکا را به چالش می‌کشد. تنوع و گستردگی موضوعات راهبردی و عدم آمادگی قبلی در سطح ملی ممکن است موجب بروز بحران‌های متعدد گردیده که می‌تواند تبعات منفی بر منافع ملی داشته باشد. شناخت بحران‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی که منافع ملی را به چالش می‌کنند؛ پدیده‌ای حائز اهمیت است که تاریخ و تحولات جوامع را جهت‌دهی می‌کند. بر این اساس شناخت وضعیت فعلی، آینده و عوامل تأثیرگذار بر آنان از اهمیت زیادی برخوردار است. بازیگران برای آنکه عاقلانه عمل کنند، باید نسبت به پیامدهای اقدامات خود، دیگران و واکنش‌های آنان و همچنین نسبت به نیروهایی که خارج از کنترل شان است، آگاهی و شناخت کافی داشته باشند؛ پیامدهایی که تنها در آینده خود را نشان می‌دهند. از این حیث، هدف آینده‌پژوهی مطالعه منظم و نظام‌دار آینده است. هر کشوری باید خطرهای چالش‌ها و فرصت‌های آینده خود را تشخیص دهد و در چارچوب برنامه‌ریزی

استراتژیک به آن پاسخ منحصر به فرد بدهد و به دلیل تلاطم محیط و تغییرپذیری شرایط این مهم در پرتو آینده‌پژوهی میسر است. ایران امروزی با چالش‌های جدی در حوزه‌های مختلف از جمله توسعه ناموزون و نابرابری‌های منطقه‌ای، افزایش شکاف‌های طبقاتی و اجتماعی، رشد بیکاری و تورم، استیصال مردم در مواجهه با فسادهای مالی، افول شاخص سرمایه اجتماعی بین مردم نهادها و میان شهروندان و گروه‌های اجتماعی و نیز بحرانی شدن چالش‌های زیست محیطی و ... مواجه است که نوعی سرخوردگی اجتماعی و سیاسی را به‌ویژه در مناطق حاشیه‌نشین و محروم به وجود آورده است.

آینده‌پژوهی به پژوهشگر علوم سیاسی کمک می‌کند تا آینده‌ای مطلوب متناسب با امکانات و واقعیات موجود طراحی کند و زمینه‌های خلق آن را با ارائه راهبردها و استراتژی‌های متناسب با آن سناریو، فراهم سازد. آینده‌پژوهی، توانایی دارد که آینده را به کمک امروز آورده و مبنای تصمیم‌گیری‌ها، سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها در ساختار مدیریتی، آموزشی و ... گردد. اهمیت و ضرورت انجام این پژوهش عبارت است از: تلاش برای شناسایی چشم‌اندازهای روندهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی. هدف این پژوهش «بررسی روندهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی فراروی جمهوری اسلامی ایران به‌منظور تبیین و ترسیم سناریوهای مختلف برای آینده این روندها است». سؤال پژوهش عبارت است از: «چه آینده‌ای را می‌توان برای روندهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ایران ترسیم کرد؟» فرضیه پژوهش مطرح می‌کند که بر پایه آینده-پژوهی، سه دسته سناریو شامل سناریوهای کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت را می‌توان برای آینده مسائل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ترسیم کرد. باتوجه به سؤال پژوهش، از روش سناریونویسی که یکی از روش‌های متعدد آینده‌پژوهی است؛ با رویکردی توصیفی تحلیلی رویدادهای آینده‌ی که ممکن است تحت شرایط، رخ دهد، استفاده شده است. بنابراین سناریوها در سه چشم‌انداز کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت بررسی خواهند شد. شیوه جمع‌آوری اطلاعات به‌صورت کتابخانه‌ای و برای جمع‌آوری اطلاعات و داده‌های موردنیاز پژوهش از بین منابع موجود در دسترس (کتاب، نشریات، مقالات و اسناد بین‌المللی همچنین سایت‌ها و پایگاه‌های اینترنتی علمی و معتبر مرتبط با موضوع پژوهش به همراه گزارش‌های منتشرشده توسط مراکز تحقیقاتی و پژوهشی دفاعی، امنیتی)



استفاده گردید. یکی از عوامل تعیین کننده در حوزه مطالعات امنیتی، عنصر زمان است. با توجه به روند فزاینده ناپایداری‌ها، عدم قطعیت‌ها و پیچیدگی‌های محیطی، ماهیت و مظاهر مسائل امنیتی به لحاظ کشف و شناخت دچار تحول و تطور مضاعف شده‌اند که حل و انکشاف علمی آن‌ها، به‌ضرورت پژوهش درباره آینده اهمیت بیشتری داده و آینده‌پژوهی به‌جز جدایی‌ناپذیر مطالعات امنیتی تبدیل شده است.

۱. چارچوب نظری

الف) آینده‌پژوهی

سرعت تغییرات در جامعه امروزی چنان گسترده است که دیگر از روش‌های سنتی نمی‌توان استفاده نمود. مطالعات آینده مطالعه تعاریف، احتمال‌ها و ترجیحی آینده و جهان‌بینی است که آن‌ها را پایه‌گذاری می‌کند. آینده‌پژوهی به «حدس‌ها و فرضیه‌هایی در خصوص تحولات آینده در حوزه‌های مختلف علوم گفته می‌شود که به‌نوعی همچون چراغ‌راهنما عمل می‌کنند و مسیر مطالعات و تحولات را در چارچوب حدس‌های صورت گرفته سامان می‌دهند» (دینی‌ترکمانی، ۱۳۹۲: ۱۹۷). مطالعات آتیه به دنبال فهمیدن این‌که یک موضوع چقدر احتمال دارد؛ ادامه یابد و چه چیزی ممکن است؛ تغییر کند. آینده‌پژوهی به توصیف، توضیح و ارائه دید وسیع از پدیده‌های اجتماعی و فرایندهای متغیر و توسعه حوزه‌های مختلف بشری می‌پردازد. این روش، «تفکرات فلسفی و روش‌های علمی و مدل‌های مختلف بررسی و مطالعه آینده را مطرح و با استفاده از آن‌ها، آینده‌های بدیل و احتمالی را ترسیم می‌نماید؛ آینده‌پژوهی، ابزاری برای مهندسی هوشمندانه آینده است» (ناصرآبادی، ۱۳۷۹: ۲۵). در آینده‌پژوهی چند عنصر حیاتی وجود دارد: «۱) اقدامات پیشگویی یا پیش‌بینی آینده از طریق روش‌های گوناگون؛ ۲) بررسی دقیق روند حاضر در بخش‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فنی و طبیعی؛ ۳) احتمالات آینده به‌عبارت‌دیگر وضع جهان در آینده» (عیوضی، ۱۳۹۵: ۱۷۸). آینده‌پژوهی مقوله بسیار مهمی بوده و در صورتی که سازمان، کشور و تمدنی، تصویری از آن نداشته باشند، محکوم به شکست است. در آینده‌پژوهی فرصت‌ها و تهدیدات آینده و موقعیت‌های مختلف و همچنین مناسبت‌ها و شرایط اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی کشورها و

ملت‌ها قابل پیش‌بینی می‌گردد. آینده‌پژوهان با ارائه توصیف‌ها و تجویزهایی در خصوص آینده، شرایطی را مهیا می‌کنند که بتوان از طیف آینده‌های بدیلی که پیشرو قرار دارند، یکی را انتخاب کرد؛ انتخابی که زمینه رفتار کنشگرانه و پیش‌دستانه را فراهم می‌کند. اما مبنای این انتخاب داشتن تصویری از آینده است. در آینده‌پژوهشی چهار نوع آینده وجود دارد (۱) آینده ممکن؛ آینده‌ای که در مخیله انسان بگنجد و عقل امکان وقوع آن را تصدیق کند؛ (۲) آینده باورپذیر؛ آینده‌ای که امکان وقوع بیشتری دارد و باورپذیر است؛ (۳) آینده محتمل؛ آینده‌ای که در افق زمانی موردنظر احتمال وقوع دارد و مبتنی بر استمرار روندهای کنونی است و (۴) آینده مطلوب یا مرجح؛ آینده‌ای که وقوع و به واقعیت پیوستن آن را آرزو می‌کنیم» (خاشعی، ۱۳۹۰: ۲۶-۲۷). در یک جمع‌بندی از کارکرد آینده‌پژوهی سیاسی اشاره به نکات زیر حائز اهمیت است: «(۱) آینده‌پژوهی، امکانات چشم‌انداز به آینده برای متفکران و اندیشمندان سیاسی را فراهم و مسیر چگونه ساختن آینده سیاسی مطلوب را مشخص می‌کند؛ (۲) آینده‌پژوهی سیاسی چراغی پیش‌روی فرایند سیاست-گذاری برای تحقق بخشیدن به چنین آینده‌ای است؛ (۳) آینده‌پژوهی سیاسی، پیشگیری از غافلگیری ناشی از پدیده‌های نوظهور است و نشان می‌دهد که چگونه با کمترین ضرر و بیشترین سود می‌توان به اهداف تعیین‌شده رسید و از غافلگیری جلوگیری می‌کند» (عیوضی، ۱۳۹۵: ۹۴-۱۹۳). آینده‌پژوهی توسط فنونی انجام می‌پذیرد که برخی از این فنون عبارت‌اند از: «دلفی، تحلیل روند^۱، دیده‌بانی، پایش روند^۲، برون‌یابی روندها^۳، توسعه و تحلیل سناریو^۴، نظرخواهی و مشاوره^۵، مدل‌سازی^۶، تحلیل تاریخی^۷، طوفان فکری^۸ و...» (ملکی‌فر، ۱۳۸۶: ۷۵-۷۰).

ب) سناریوسازی

سناریو پردازی نخستین بار توسط مؤسسه "رند" در اواسط قرن بیستم معرفی شد. برنامه‌ریزی سناریو به‌عنوان پرکاربردترین روش آینده‌پژوهی عبارت است از «شرح

1. Trend analysis
2. Trend monitoring
3. Trend projection
4. Scenario development and analysis
5. Consulting (polling)
6. Modeling
7. Historical analysis
8. Brainstorming

رویدادهای آینده‌ای که تحت شرایط معین ممکن است؛ رخ دهند. سناریوها شامل تصاویری از آینده‌های محتمل است که هدف از به‌کارگیری آن‌ها مورد آزمایش قراردادن عملکرد سیاست‌ها و استراتژی‌های اتخاذشده در برابر چالش‌های موجود آینده با ایجاد و ترسیم فضایی از ممکنات است» (Makridakis & Wheelwright, 1989: 215). «سناریوپردازی تکنیکی شناخته‌شده برای اندیشیدن و برنامه‌ریزی پیرامون آینده‌های ممکن و رویکردهای منعطف برای دستیابی به استنباطی درست از اوضاع و گرایش‌های پیچیده است که مبتنی بر عدم ثبات و تغییر مداوم یک پیش‌بینی است و شامل تصاویری از آینده مطلوب، محتمل و ممکن باهدف مورد آزمایش قراردادن عملکرد سیاست‌ها و استراتژی‌های اتخاذشده در برابر چالش‌های موجود آینده با ایجاد و ترسیم فضایی از ممکنات است» (محمدیان و نقیب‌زاده، ۱۳۹۸: ۷۶). فرض اساسی برنامه‌ریزی سناریو این است که «آینده غیرقابل پیش‌بینی است و پیش‌بینی اغلب اشتباه است. استدلال آینده‌پژوهان این است که یک آینده وجود ندارد، اما چند آینده قابل قبول را می‌توان با تصمیم‌گیری و اتخاذ روش باز و انعطاف‌پذیر برنامه‌ریزی سناریو مطرح و آینده جایگزین را کشف کرد» (Sayres, 2010: 21). کان و واینر (۱۹۶۷) «سناریو را ساخت مجموعه‌ای از رویدادهای فرضی به‌منظور متمرکز نمودن توجه به فرآیندهای علی و تصمیم‌گیری برای آینده می‌دانند» (Kahn and Winer, 1967: 9) که بر اساس فرضیات مشخص و دارای سه ویژگی اصلی «تکرارپذیری، توجیه‌پذیری عقلانی و منطق دانش‌بنیان صورت می‌گیرد» (Nassauer & Corry, 2004: 348). سناریونویسی بر اساس شواهد، داده‌ها و اطلاعات وقایع و روندهای گذشته، حال و آینده را با تأکید بر عواملان و کنشگران و اولویت‌ها، استراتژی‌ها و امکانات آن‌ها بازسازی و بازنمایی می‌کند و «باهدف کشف موضوعات فوری و اضطراری، مشخص کردن بازیگران اصلی و راهبردهای آن‌ها و توصیف روند تکاملی و محتمل‌ترین مسیرهای تکاملی» (خاشعی، ۱۳۹۰: ۱۲۵) «برای تعیین اولویت‌ها جهت تدوین استراتژی‌ها باقابلیت انعطاف و انطباق بیشتر» (تیشه‌یار، ۱۳۹۱: ۸۷) موضوعات جدید شناسایی می‌شوند؛ بنابراین، سناریوهای خوب با ترسیم تصویری معقول از آینده و انسجام درونی، سیر منطقی میان تصمیم‌ها و رویدادهای امروز و آینده را ارائه می‌کنند و درعین حال واقعی و هیجان‌انگیز هستند» (فخرایی و کیقادی، ۱۳۹۳: ۱۸). از سوی دیگر، ارزش پیش‌بینی در آینده‌پژوهی،

درگرو ارزیابی و معرفی نیروها و عواملی است که رویدادهای آنی و وضعیت پدیده در آینده را شکل می‌دهند. اگر نیروها و عوامل درست تشخیص داده و ارزیابی شوند، ارزش پیش‌بینی معتبرتر خواهد بود» (حاجیانی، ۱۳۹۶: ۲۱۷). به‌طورکلی سناریونگاری به آینده می‌نگرد و درصدد است حالات اصلی مستقل و متمایز که از لحظه شروع محدوده زمانی پژوهش آینده، مدنظر است را به‌طور مجزا و هر یک را در قالب یک سناریو موردبررسی قرار دهد. ساخت سناریو «زمانی به حداکثر اثربخشی خواهد رسید که به‌عنوان ابزاری قدرتمند برای وسعت بخشیدن به افق دید و طرح پرسش‌های جدید و به چالش کشیدن تفکر رایج به کار گرفته شود» (Greeuw, et al, 2000: 7). مراحل مختلف طراحی سناریو در تقسیم‌بندی‌های متعددی موردبررسی قرار گرفته است؛ دریکی از این تقسیم‌بندی‌ها، «چهار مرحله برای برنامه‌ریزی سناریو تعریف شده است. ۱) تعیین عوامل محرک طبیعی، سپس طراحی سناریوها با روش‌های القایی و یا استنتاجی؛ ۲) ارزیابی و بررسی سناریوهای طراحی شده؛ ۳) حذف سناریوهای غیرقابل قبول و باورنکردنی و ۴) نوشتن سناریو با جزئیات کامل از طریق گراف‌ها، جدول‌ها و یا توصیف تشریحی» (حنفی‌زاده و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۴۲-۴۳). در سناریونویسی می‌توان «سه دسته سناریو یعنی سناریوهای مطلوب، محتمل و ممکن را شناسایی کرد» (زالی، ۱۳۹۰: ۴۱). با استفاده از آینده‌پژوهی و روش سناریونویسی می‌توان آینده‌های، مختلف و سناریوهای مطلوب بازیگران دخیل را ترسیم کرد.

۲. پیشینه و سابقه پژوهش

در مورد آینده‌پژوهی و بحران‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، تحقیقات و پژوهش‌هایی انجام شده است، اما هیچ‌یک از آن‌ها به‌صورت مستقیم و کامل به آینده‌پژوهی بحران‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران نپرداخته‌اند. هر یک از این تحقیقات از ابعاد مختلف به موضوع بحران، امنیت و آینده‌پژوهی پرداخته‌اند. برخی از این پژوهش‌ها عبارت است از: ۱) افتخاری، اصغر (۱۳۸۱)، «مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیت ملی»، تهران: انتشارات مطالعات راهبردی. نویسنده در کتاب با طرح مباحث مختلف اقدام به روش‌شناسی مطالعات امنیتی نموده است؛ ۲) رضانی، ملیحه

(۱۳۹۶)، «سناریوهای آینده جریان‌های سیاسی در ایران ۱۴۰۴»، مجله راهبرد، شماره ۸۳. نویسنده با روشی توصیفی تحلیلی به بررسی سناریوهای آینده جریان‌های سیاسی در ایران ۱۴۰۴ با استفاده از روش ماتریس عدم قطعیت‌ها پرداخته است؛ ۳) متقی، ابراهیم (۱۳۸۹)، «گونه شناسی تهدیدهای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، تهران: فصلنامه آفاق امنیت، سال سوم، شماره ۸. نویسنده، آسیب‌شناسی تهدیدهای امنیت ملی را امری ضروری برای آینده‌پژوهی امنیتی می‌داند؛ ۴) منتظران، جاوید و قربانی، سعید (۱۳۹۵)، «آینده‌پژوهی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در بستر تحولات ژئوپلیتیکی، تمامیت ارضی و بحران‌های داخلی»، فصلنامه سیاست دفاعی، شماره ۹۷. نویسندگان به دنبال تبیین سناریوهای احتمالی تحولات عراق و ارزیابی تأثیرات آن بر حوزه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران می‌باشند؛ ۵) علی‌پور، جواد و قیطاسی، سجاد (۱۳۹۶)، «آینده-پژوهی بحران‌های سیاسی-امنیتی سوریه بر پایه سناریونویسی»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال هفتم، شماره ۴. نویسندگان به دنبال پیش‌بینی بحران سیاسی-امنیتی سوریه با استفاده از ترسیم سناریوهای مطلوب، محتمل و ممکن هستند؛ ۶) قلی‌زاده زاوشتی، مهدی و قادری کوچکی، علی (۱۳۹۴)، «کاربرد سناریونویسی در بحران‌های سیاسی و امنیتی»، فصلنامه مدیریت بحران، سال هفتم، شماره ۲۵. این مقاله با تکیه بر مفاهیم آینده‌پژوهی و روش‌های اجرای آن، نقش آن‌ها را در مدیریت بحران‌های سیاسی و امنیتی موردبررسی قرار می‌دهد.

۳. مفهوم بحران

بحران به یکی از واژه‌های معمول در زندگی روزمره تبدیل و مانند بسیاری از مفاهیم حوزه علوم انسانی دارای معنای واحدی در میان جوامع و فرهنگ‌های گوناگون نیست. تقریباً هرروز، شاهد گزارش وقوع انواع مختلف بحران‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، زیست‌محیطی و امنیتی در جهان هستیم. در مورد بحران تعاریف مختلفی ارائه شده که به برخی از تعاریف مهم اشاره می‌شود. «بحران نقطه مقابل وضعیت موجود بوده و فرایندی است که در آن ساختار یک سیستم زیر سؤال می‌رود» (Offe, 1984: 36). بحران را می‌توان وضعیتی دانست که «در آن فرآیند دگرگونی در نظام به شکلی است که

استواری و تعادل نظام به شدت و به نتیجه‌ای نامطمئن به خطر می‌افتد و ضرورت اقدام هرچه سریع‌تر برای اعاده آن با برقراری نظم مجدد احساس می‌شود» (Anatol, 1968:453). در ادبیات علوم سیاسی، «مفهوم بحران با معانی گوناگون چون پریشانی، وحشت، فاجعه، مصیبت، خشونت بالقوه و بالفعل در تحلیل‌های تصمیم‌گیری به‌کار گرفته شده است» (اسپرینگز، ۱۳۷۰: ۴۹-۵۰). بحران «پدیده‌ای است که کارآمدی یک نظام را با چالش روبه‌رو می‌سازد» (ساوه‌درویدی و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۱-۳۹). بحران، «شرایطی است که در آن بی‌نظمی و آشوب، کل سیستم را به‌صورت فیزیکی تحت تأثیر قرار داده و پیش‌فرض‌های اساسی مانند فلسفه وجودی و ماهیت ذهنی سیستم تهدید می‌شود» (Pauchant & Mitroff, 1992). بحران پیوستاری است که «از حادثه آغاز شده و با واقعه ادامه می‌یابد، به‌وسیله تعارض دنبال می‌شود و با بحران خاتمه می‌یابد. یعنی شرایطی خارج از وضعیت عادی که الگوهای مدیریتی متداول در هنگام بروز آن کارساز نیست» (Burnett, 1988: 476). بحران، «وضعیت هشداردهنده‌ای است که در آن شدت مخاطره هر لحظه افزایش می‌یابد، مورد توجه دقیق رسانه‌ها و دولت قرار می‌گیرد، در امورات جاری و معمولی اختلال به وجود می‌آورد و تصویر سازمان‌های درگیر را به مخاطره می‌اندازد» (Fink, 1986: 15-16). بحران، «وضعیتی است که مشخصه آن غافلگیری، تهدید بالای ارزش‌های اساسی و زمان کم برای تصمیم‌گیری است» (Holsti, 1978: 41). در علوم سیاسی، معمولاً مفهوم بحران را مترادف درگیری به کار می‌برند. محققان سه ویژگی اصلی را شرط اصلی تعریف بحران ذکر کرده‌اند: «تهدید، غافلگیری، فشار زمانی» (Herman, 2006:415). ارائه تعریف مشخصی از بحران کار بسیار دشواری است و تعاریف ارائه‌شده نیز همگی نسبی هستند؛ لیکن می‌توان گفت: بحران «تهدیدی جدی نسبت به ساخت‌های زیربنایی و یا ارزش‌ها و هنجارهای اساسی یک سیستم، که مورد ادراک ذی‌نفعان بوده و تحت فشار زمانی و محدودیت گزینه‌ها، در شرایط عدم قطعیت شدید و احساس کاهش کنترل، اتخاذ تصمیم‌های حیاتی، دقیق و پرهزینه‌ای را الزامی می‌سازد. بحران تنها وقتی وجود دارد که تصمیم‌گیرندگان این چنین احساس می‌کنند» (حسینی، ۱۳۸۵: ۴۵).



بحران‌ها اکثراً در شکل‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نظامی ظاهر می‌شوند که هر یک در شرایطی تبدیل به بحران امنیتی می‌شوند و حکومت‌ها را به چالش می‌کشانند. از لحاظ نظری، بحران‌ها می‌توانند در سه گروه اجتماعی، سیاسی و امنیتی طبقه‌بندی شده و به شیوه‌های مختلفی مدیریت گردند. به دلیل داشتن ماهیت پرتحرکی هر یک از بحران‌ها؛ امکان تغییر ماهیت هر یک از آن‌ها و تبدیل به دیگری، پدیده‌ی دور از ذهن نیست. با فراهم شدن شرایط و بسترهای لازم ممکن است بحران اجتماعی به یک بحران سیاسی و سپس یک بحران امنیتی تبدیل گردد و این تغییر و تحول ممکن است حالتی معکوس به خود گرفته و بحران امنیتی به یک بحران سیاسی و یا بحران اجتماعی تبدیل گردد. هرگاه بحران‌های اجتماعی به مرحله‌ای از اهمیت و حساسیت برسند که مورد توجه افکار عمومی و سیاست‌مداران قرار بگیرند؛ تغییر ماهیت داده و به یک بحران سیاسی تبدیل می‌گردند. بحران‌های سیاسی زمانی امنیتی می‌شوند که گروه‌های مختلف سیاسی اطمینان و اعتماد خود را نسبت به یکدیگر از دست داده و در خصوص مقاصد یکدیگر بدترین فرض‌ها را در نظر می‌گیرند. در این شرایط نظام سیاسی با تهدیدات وجودی مهمی نظیر، بی‌ثباتی، برهم خوردن انسجام اجتماعی و تهدید جدی ارزش‌های اساسی روبرو شده، مشروعیت یا اقتدار دولت مورد تردید جدی قرار می‌گیرد. در بحران‌های سیاسی و امنیتی، پدیده امنیت مورد تهدید قرار می‌گیرد. فرایند چگونگی تبدیل پدیده‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و ... به بحران‌های سیاسی و امنیتی، همواره موضوعی بوده که ذهن تصمیم‌گیرندگان عرصه‌های امنیتی را به خود مشغول داشته است. دامنه موضوعات بالقوه سیاسی و امنیتی، بسیار گسترده است؛ پس لازم است ماهیت تهدیدها و فرایندی که برای تبدیل به مسئله سیاسی و امنیتی شدن را طی می‌کنند به طور صحیح مورد بررسی قرار گیرد تا موضوعات و پدیده‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و ... بدون دلیل امنیتی دیده نشوند.

۱-۳. مسائل اجتماعی

بحران اجتماعی زمانی حادث می‌شود که اختلالاتی در جامعه پدید آید که تعادل عمومی، عملکرد به‌هنگار و معمول حیات اجتماعی را به مخاطره افکند. یک بحران عمومی اجتماعی نشان از آن دارد که «جامعه فاقد توانایی سامان‌یابی و تأمین و حفظ

نظم اجتماعی است و استعداد و قابلیت درونی خود را برای حل مسائل مرتبط با توسعه جامعه از دست داده است» (تاجیک، ۱۳۸۱: ۳۳). بحران اجتماعی گاهی اوقات فقط جزئی از جامعه را فرامی‌گیرد و با مسائل اجتماعی خاصی مرتبط می‌شود (مانند نابسامانی ناشی از کمی دستمزدها) که در این صورت بحران اجتماعی، جزئی خوانده می‌شود و کنترل و هدایت آن توسط نیروی اجتماعی غالب آسان خواهد بود. اما «گاهی اوقات بحران اجتماعی عمومی است که در این صورت بر مجموع ساخت‌ها و نهادهای یک جامعه، به جهت تأخیر و عدم تطابق آنان با انتظارات موجود در باب پیشروی یک جامعه جدید و مترقی، اثر می‌گذارد؛ در نتیجه چنان نابسامانی عمومی و عدم تعادلی فراگیر، در جامعه بروز می‌کند که گسست نظم موجود و پیدایی دگرگونی‌های اجتماعی بنیادی (انقلابی) را قابل پیش‌بینی می‌سازد» (شایان مهر، ۱۳۹۳: ۲۹). بحران اجتماعی عمومی ناشی از آن است که جامعه توانایی سازمان‌یابی و حفظ نظم اجتماعی را نداشته و از نیروی درونی جهت حل مسائل مرتبط با تطور و توسعه‌اش برخوردار نیست؛ به عبارت دیگر خود ساخت، بحران‌زده است و مسائل اجتماعی که مطرح می‌شوند، چنان گسترده‌اند که نظم اجتماعی موجود را به مخاطره می‌افکنند که در این مورد پایداری داخلی سبب شده است در طول چهار دهه گذشته جمهوری اسلامی ایران بر چالش‌هایی که با فشار قدرت‌های خارجی از جمله تحریک عراق به جنگ علیه ایران و دشواری‌های اجتماعی ناشی از آن غلبه یابد.

۲-۳. مسائل اقتصادی

بحران اقتصادی، یک رکود طبیعی، ناخوشایند و بخشی از یک چرخه اقتصادی است که گاهی وقایع حساس و بحرانی در شکل‌گیری آن موثرند. در صورتی که نزول یا افت مهم در فعالیت‌های اقتصادی بیش از چند ماه طول بکشد، بحران اقتصادی نامیده می‌شود. «از ویژگی‌های مشخص دوره بحران، سقوط سریع قیمت‌ها، کاهش حجم تولیدات و درآمد، افزایش بیکاری، ورشکستگی و در نهایت سقوط بازار بورس اوراق بهادار است. برخی از اقتصاددانان نیز در بیان ویژگی دوره بحران به نرخ بیکاری و مدت زمان کساد اقتصادی توجه می‌کنند به طوری که کساد بیش از سه سال و نرخ بیکاری

بیش از ۱۲ تا ۲۰ درصد را مشخصه‌ی دوران بحران می‌دانند» (داودی و عیسوی، ۱۳۸۹: ۱۰۹). با عنایت به ضریب وابستگی اقتصاد ایران به درآمدهای نفتی در زمان کاهش قیمت نفت و فرآورده‌های آن و همچنین تحریم‌های آمریکا در خصوص جلوگیری از فروش نفت در بازار جهانی، این چالش در ایران ملموس تر می‌باشد. در واقع ایالات متحده تلاش کرده است که از طریق تحریم‌های غیر انسانی صادرات نفت و درآمدهای ارزی ایران را دچار مشکل کند و از این طریق به مقاصد سیاسی خود در توقف پیشرفت ایران برسد که در این هدف ناکام مانده است.

۳-۳. مسائل سیاسی

بحران سیاسی، بحران مشروعیت نظام حاکم است. آنگاه که دولت و رهبران سیاسی یک جامعه به هر دلیلی مناسبات مبتنی بر مقبولیت خود را از دست می‌دهند و نظام سیاسی دچار ناکارآمدی می‌شود، بحران‌های سیاسی حادث می‌شوند. آرنولد توین-بی^۱، علل بروز بحران در جوامع سیاسی را در سه لایه «۱. از کف رفتن قوه خلاقه در اقلیت حاکمه که بعد از آغاز دوره زوال، خاصیت خود را از دست داده و تنها تبدیل به یک اقلیت حاکمه شده است؛ ۲. پاسخ و عکس‌العمل اکثریت جامعه به دولت و رهبران با توجه به مورد فوق که عبارت از خودداری از همراهی و همکاری است؛ ۳. فقدان وحدت اجتماعی در مجموع پیکر جامعه که نتیجه طبیعی در مورد فوق است» (واعظی، ۱۳۹۲: ۳۴) برمی‌شمارد.

۴. امنیت

امنیت به‌عنوان یک مفهوم عام تمامی شئون و ابعاد زندگی انسان را درمی‌گیرد و با بقای نفس و صیانت از حیات و موجودیت انسان پیوند می‌خورد. امنیت در لغت به معنای «رهایی از خطر، تهدید، آسیب، تشویش، اضطراب، هراس، ترس، نگرانی یا وجود آرامش، اطمینان، آسایش، اعتماد، تأمین، ضامن و حائل است» (ماندل، ۱۳۷۹: ۴۴).

¹. Arnold Toynbee

به‌طورکلی «امنیت مفهومی است که متوجه یک پدیده و اصل اساسی است و آن حفظ وجود خویش است. حفظ وجود هم به معنی کسب امنیت است. حفظ امنیت غالباً و در وهله نخست معطوف حفظ بقا و موجودیت خود به‌عنوان بالاترین منفعت است» (مرادیان، ۱۳۸۹: ۵۶). مفهوم امنیت «برای بسیاری از کشورها حاکی از نیاز به حفظ استقلال و تمامیت ارضی، حفظ شیوه زندگی ملی و جلوگیری از مداخله بیگانه در امور داخلی کشور از طریق افزایش توان نظامی است» (عیوضی، ۱۳۸۲: ۱۴۲). امروزه مفهوم امنیت تنها مسائل نظامی را در برنمی‌گیرد، بلکه تمام عرصه‌های اقتصادی، فرهنگی، سرزمین و جان انسان‌ها را درمی‌نوردد و در تمام ابعاد زندگی انسان مصداق و معنی پیدا می‌کند. امنیت یکی از مباحث محوری در حوزه علم سیاست و حوزه سیاست‌گذاری در هر نظام سیاسی است که همواره از ابعاد مختلفی تهدید می‌شود. امنیت ابعاد مختلفی دارد که عبارت است از: امنیت نظامی، امنیت سیاسی، امنیت اقتصادی، امنیت فرهنگی و اجتماعی و امنیت زیست‌محیطی. در تحولات مفهومی امنیت، در دوران نظام دوقطبی بر تعیین عنصر تهدید در نیل به امنیت توجه می‌شد، اما هم‌اکنون علاوه بر آن، بر تعیین عنصر فرصت هم تأکید می‌شود. مفهوم نوین امنیت از یک‌سو، دلالت بر تنوع ابعاد امنیت و تغییر قاعده بازی دارد و از سوی دیگر، بر بهره‌گیری از فرصت‌ها تأکید می‌ورزد. امنیت‌هنگامی تأمین می‌شود که جامعه به موازات وجوه بازدارندگی امنیت، به وجوه مثبت امنیت ملی و جنبه‌های ایجابی آن دست یابد و زمینه‌های لازم برای تحقق اهداف و خواسته‌های منافع ملی فراهم شود. بر این اساس هر جامعه‌ای باید به موازات مواجهه فعالانه با هرگونه تهدید داخلی و خارجی از قابلیت‌های ویژه برای بهره‌گیری از فرصت‌ها در جهت افزایش منافع ملی برخوردار باشد.

مکاتب گوناگونی وجود دارد که هر یک دیدگاه خاصی به مسائل امنیتی دارند. «واقع‌گرایان، تجزیه‌وتحلیل امنیت را در سطح کلان و با در نظر داشتن دولت‌ها و مناسبات قدرت میان آن‌ها به‌عنوان مرجع امنیت موردتوجه قرار می‌دهند» (یزدان‌فام، ۱۳۸۶: ۷۳۱). آن‌ها «نظم و امنیت را بر آزادی و عدالت و همچنین استبداد را بر آشوب و بی‌نظمی مقدم می‌دارند» (قیصری، ۱۳۹۳: ۸۳۹). در مقابل، «الگوی لیبرال از امنیت را می‌توان یک الگوی خوش‌بینانه مبتنی بر راهکارهای سیاسی با بهره‌گیری از ابزارهای حقوق بین‌الملل،

سازمان‌های بین‌المللی، یکپارچگی سیاسی و دموکراتیزاسیون برای دستیابی به امنیت و صلح دانست» (عبداله‌خانی، ۱۳۸۹: ۹۵) که «با طرح نظریه عدم تنازع میان حکومت‌های دموکراتیک بر گسترش این نوع حکومت‌ها از طریق افزایش مشروعیت سیاسی داخلی آن‌ها تأکید می‌کنند» (Estrada Quero, 2011: 29). «مکتب انتقادی در مطالعات امنیتی نیز در پی تشخیص ساختارهای سلطه و تلاش برای ویرانی آن‌ها و همچنین مشخص ساختن مبرور شدگان از اجتماع از طریق جایگزینی فرد به‌منابه مرجع اصلی امنیت و ایجاد توان‌رهایی بخشیدن به آن‌ها برای امنیت بیشتر» (افتخاری و نصیری، ۱۳۸۳: ۱۲۷) «از طریق افزایش رضایت و مقابله با حس ناامیدی» (افتخاری، ۱۳۸۱: ۳۴۲) و کاهش فاصله میان انتظارات فرد و آنچه دارد، است. پس از جنگ سرد نوعی از بازنگری ریشه‌ای، در تفکر امنیتی صورت گرفت. بسط مفهوم از امنیت ملت‌ها به امنیت اشخاص و گروه‌ها، گسترش مفهوم از امنیت کشورها به سوی امنیت نظام بین‌الملل و در واقع، محیطی فراملی، مطرح‌شدن مفاهیمی چون امنیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و انسانی در کنار امنیت نظامی و در نهایت، توسعه مسئولیت سیاسی برای تضمین امنیت که علاوه بر دولت‌های ملی به سمت نهادهای بین‌المللی، حکومت‌های منطقه‌ای و محلی گسترش یافته است. همین تحول و دگردیسی از مفهوم امنیت باعث شد مکاتب نظری روابط بین‌الملل و مطالعات امنیتی، به این تحول شگرف و اساسی نگاه ویژه‌ای کنند. این نگاه جدید، بیانگر تغییر گفتمانی جدید در باب مقوله امنیت و پویای درونی و بیرونی آن است.

۵. سناریونویسی روندهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی

ایران در طول تاریخ هزاران ساله خود، هیچ‌گاه در محیطی آرام و بی‌چالش قرار نداشته است و هرگاه ضعیف شده مورد هجوم خارجی قرار گرفته است. تنها انباشت قدرت داخلی در این کشور توانسته است خطرها و مشکلات انبوه محیطی را کنترل کند. در شکل‌دهی به تهدیدات و فرصت‌های ایران در محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران، دو مؤلفه اساسی پیوسته با یکدیگر نقش ایفا می‌کنند که هر دو سرشتی هویتی دارند. مهم‌ترین مؤلفه تعیین‌کننده تهدیدات ایران مسئله تضاد هویتی جمهوری اسلامی ایران با رژیم



صهیونیستی و هم‌چنین آمریکا است که در پیوند با یکدیگر عمل می‌کنند. مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده فرصت‌های جمهوری اسلامی ایران ارائه روایتی اصیل از اسلام سیاسی است که در بین مردم منطقه طرفدار دارد؛ زیرا پس از صدها سال تحقیری که بر مسلمانان منطقه حاکم بود، با فراخواندن آن‌ها به بازگشت به اسلام اصیل خاطره خودباوری، عزت، سرافرازی و تاریخ شکوهمند گذشته، در آن‌ها زنده شده است. البته در هر دو عرصه تهدید و فرصت برای ایران، عوامل متعدد دیگری نیز وجود دارد. در عرصه تهدیدات باید به عواملی نظیر حضور رقبای مانند: عربستان، ترکیه و پاکستان اشاره کرد که در مواردی رقابت دائمی برخی از آن‌ها از حد متعارف بسیار بالاتر می‌رود. وجود کشورهای ورشکسته و ضعیف، تداوم اقلیت‌ها در کشورهای دیگر، افراط‌گرایی و سلفی‌گری انحرافی، نقش فزاینده بازیگران غیردولتی، مواد مخدر و ... همگی تهدیداتی برای ایران و کل منطقه ایجاد می‌کنند که پیچیدگی و تلون منطقه را افزایش می‌دهد و به‌ویژه مورد استفاده عناصر اصلی تهدیدکننده کشور (آمریکا و رژیم صهیونیستی) قرار می‌گیرد.

در سال‌های اخیر پدیده‌ها و نیز نارسایی‌ها و کاستی‌هایی، وجود داشته است اما این چالش‌ها مدیریت شده است. بدیهی است در چنین شرایطی تلاش مخالفان جمهوری اسلامی با موج‌سواری پیرامون پدیده‌ها و مسائل، برای زیر سوال بردن عملکرد نهادهای حاکمیتی و با تخریب مداوم وجهه نظام، ساختارهای جمهوری اسلامی ایران ناکام باقی مانده است. در حال حاضر روند حوادث و رویدادها به نحوی بوده که مسائل فرعی بیش‌ازحد مورد توجه رسانه‌های وابسته به غرب قرار گرفته و تلاش شده است امور اصلی به حاشیه برود. هدف آمریکا با بازگرداندن تحریم‌ها این بود که ایران و ایرانیان در وضعیتی بسیار دشوار و شکننده‌ای قرار گیرد. آشکار است که هدف دولت آمریکا دامن زدن به این چالش‌ها برای نیل به اهداف سیاسی خود است.

بر اساس عوامل و مؤلفه‌های مختلف، می‌توان سیزده سناریوی محتمل را تا دوره زمانی تا پانزده سال آینده در جامعه ایرانی ترسیم کرد. برای ترسیم سناریوهای احتمالی علاوه بر توانایی و ناتوانی‌های نیروهای سیاسی اجتماعی و اپوزیسیون، باید متغیرهایی چون بحران اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، توانایی و انسجام نیروهای وفادار نظام، تهدیدها و فشار نیروهای منطقه‌ای و بین‌المللی در جامعه ایرانی نیز در نظر گرفت. سناریوهای ذیل



بر اساس وضعیت و موضع فعلی بازیگران نوشته شده و احتمال تغییر مواضع بازیگران وجود دارد. هریک از این سناریوها می‌تواند؛ فرض تصور شود و چون دقیقاً نمی‌دانیم کدام سناریو بر واقعیت صادق است، لذا هر یک از سناریوها می‌توانند درست باشند. این سناریوها به معنای پذیرش صحت آن‌ها نیست. ضمناً با توجه به تعدد سناریوها، هریک از آن‌ها با برخی دیگر از سناریوها مشابهت‌هایی دارند.

۵-۱. ادامه وضعیت فعلی

ایرانیان نشان داده‌اند که باوجود همه مشکلات و کمبودها و علی‌رغم تمامی دشمنی‌ها، هر جا پای دفاع از ارزش‌ها و اصول اسلامی انقلابی در میان باشد، باصلابت ایستاده‌اند. هرچند این چالش‌ها و آسیب‌ها همواره در کمین هستند تا نظام را دچار مشکل نمایند اما هوشمندی و تدبیر رهبر معظم نظام و ایستادگی مردم و حضور آنان در صحنه دفاع از ارزش‌های انقلاب تضمین‌کننده حرکت پرصلابت نظام و پیروز شدن بر تمامی مشکلات و چالش‌هاست. در این سناریو، نظام اعتراضات اجتماعی و بحران‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... را به دلیل شکاف در بین قدرت‌های خارجی و نحوه مواجهه آمریکا با مسئله ایران، فقدان اپوزیسیون قوی و قدرتمند، فراگیر شدن ناامیدی اجتماعی و ترس از سوری‌ای شدن جامعه ایرانی، کنترل و مدیریت خواهد کرد و وضعیت کنونی تداوم می‌یابد و تغییری در آرایش نیروها در کوتاه‌مدت حادث نخواهد شد. بر این اساس، پیش‌بینی می‌شود که جمهوری اسلامی ایران، مسائل ناشی از عوامل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را کنترل کند؛ و مانع از آن شود که قدرت‌های خارجی به اهداف سیاسی خود برسند.

۵-۲. تلاش آمریکا برای ایجاد اجماع علیه ایران

در این سناریو، تلاش می‌شود ایران یک خطر بالقوه برای منافع آمریکا در منطقه معرفی شود؛ برجام توافق خوبی نیست. به این ترتیب آمریکا تلاش دارد تا دوباره اجماع جهانی علیه ایران ایجاد نماید. از سوی دیگر رژیم صهیونیستی که در وضعیت فعلی موجودیت خود را در خطر می‌بیند، تلاش می‌کند تا این گزاره راهبردی را تقویت کند. این احساس

خطر رژیم صهیونیستی، ناشی از میان رفتن مسئله ایران است. مسئله‌ای که همواره اصلی‌ترین گزاره رژیم صهیونیستی در کسب انواع منافع در صحنه‌های بین‌المللی بوده است. به صورت موازی با رژیم صهیونیستی، عربستان سعودی نیز از این گزاره راهبردی حمایت می‌کند چراکه هم‌راستا با چشم‌انداز آینده خود است. عربستان سعودی تلاش می‌نماید تا هم نفوذ ایران در منطقه کاهش یابد و هم از توانمندی ایران در جذب سرمایه‌گذاری خارجی و تبدیل ایران به قدرت بزرگ منطقه‌ای کاسته شود. تحقق کامل برجام می‌توانست زمینه‌ساز رشد سریع اقتصادی و فناوری ایران در منطقه شود. به این ترتیب عربستان سعودی می‌تواند یکی از حامیان آمریکا در تحقق این سناریو باشد. بر اساس این راهبرد، اصلی‌ترین سیاست‌های آمریکا در قبال ایران عبارت‌اند از: (۱) تلاش برای نشان دادن غیرقابل‌اعتماد بودن ایران؛ (۲) تلاش برای تحریک برای نقض برجام؛ (۳) ایجاد اجماع علیه ایران. تحریک برای نقض برجام یک تاکتیک اصلی برای این راهبرد کلیدی آمریکا است. «پیش‌فرض آمریکا در اجرای این تاکتیک تکیه بر یک پیش‌فرض نادرست قدیمی در میان دولت‌مردان این کشور است: دوگانگی حاکمیت در ایران. آنان این فرضیه نادرست را دنبال می‌کنند که دودستگی در میان حاکمیت ایران، امکان نقض برجام توسط ایران را افزایش می‌دهد؛ پس بهتر است ایران برای نقض هرچه سریع‌تر برجام تحریک شود» (ناظمی‌اشنی، ۱۳۹۶: سایت مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری). اعمال تحریم‌های شدیدتر دو کارکرد دارد: در کوتاه‌مدت، به باور نادرست آنها توان مالی ایران را برای کمک به عراق، سوریه، حزب‌الله، یمن و ... از بین خواهد برد و در درازمدت، ساختار اقتصادی ایران را ضعیف می‌کند.

۳-۵. الگوی شبه برجام

ایران در توافق برجام نشان داد که ظرفیت دستیابی به یک توافق جهانی را دارد. از همین رو آمریکا در این سناریو قصد دارد با فشار بر ایران و نشان دادن آن بر سر میز مذاکره به توافق دست یابد. به این ترتیب در گام نخست باید فشار بر ایران افزایش یابد. این افزایش فشار باید همراه با استفاده از منافع اروپایی برجام برای ایران نیز باشد. به این ترتیب فشار بر ایران از طریق رفتار مستقل آمریکا از سایر اعضا برجام است. از



منظر طرفداران این سناریو در آمریکا موضوع گفتگوی مستقیم ایران-آمریکا به عنوان گزینه‌ای پیش روی ایران، بر روی میز قرار گیرد. فشار داخلی برای ورود به مذاکره از طریق کسب منافع محدود برجام افزایش می‌یابد. در این سناریو از منظر طرفدارانش در غرب سرمایه‌گذاری‌های خارجی کشورهای اروپایی و ایجاد زمینه‌های لازم برد-برد میان اروپا و ایران می‌تواند چشم‌انداز مناسبی از مذاکره مستقیم ایران-آمریکا ایجاد کند. این عوامل زمینه‌های لازم برای گفتگو و دیپلماسی از طریق مذاکره مستقیم را فراهم خواهد آورد. به صورت متقابل گروه‌هایی در داخل ایران نیز که از برجام ناخشنود هستند، تلاش خواهند کرد تا به صورت موازی مانع شوند که آمریکا در زمینه پیش برد خواسته هایش موفق شود.

۴-۵. چالش هویتی

این سناریو عبارت است از امکان فرضی بازتعریف روابط قدرت و مسائل هویتی از درون. این سناریو مورد حمایت جناحی از سرمایه‌داری جهانی در آمریکا و اروپا است. «این همان جریانی از سرمایه‌داری است که در تلاش برای به چنگ آوردن فرصت‌های اقتصادی در ایران، از مثلث جدید قدرت حمایت کرده و می‌کند تا به آنان، توانایی دور زدن مثلث سنتی قدرت را بدهد. این گرایش از آن روی اهمیت دارد که اگر سناریوی جنگ روی ندهد؛ درصدد است با تقویت بنیه‌ی اقتصادی جمهوری اسلامی مانع از بروز سناریوهای بحران‌زایی شود که پیامدهای شدیدی برای بازارهای مالی جهانی دارد.. این جناح سرمایه‌داری حامی سرسخت ثبات است.

آن‌ها ادغام اقتصاد ایران در سرمایه‌داری جهانی را در شرایط ضعف ایران می‌خواهند، چون می‌دانند از این طریق باج‌های بهتری خواهند گرفت. در صورتی که مثلث جدید قدرت بتواند عملکرد خود را در عرصه بیرون کشیدن اختیارات از دست مثلث سنتی قدرت با موفقیت‌هایی توأم سازد و از خود قاطعیت در پیشروی نشان دهد، این بخش از سرمایه‌داری به یاری بیشتر او شتافته و به این ترتیب امکان چالش هویتی در درون جمهوری اسلامی دنبال خواهد شد» (عرفانی، ۲۰۱۶: گویانیوز). اما احتمالاً ورود سرمایه‌های کلان، نابرابری‌های موجود در ساختار طبقاتی جامعه‌ی ایرانی را هر چه

عمیق‌تر خواهد کرد، اما در عین حال ادغام اقتصاد ایران در دل اقتصاد مصرف ساز سرمایه‌داری، موجبات تقویت لایه‌های اجتماعی وفادار به سرمایه را فراهم کرده و آن‌ها را بر روندها غالب خواهد کرد. این سناریو می‌تواند از ایران یک ترکیه دیگر در عرصه‌ی اقتصادی و یک عربستان سعودی دیگر در حوزه‌ی سیاسی بسازد، ایران به یک متحد طبیعی غرب در منطقه‌ی حساس خلیج فارس تبدیل سازد و برای مقابله‌ی راهبردی آمریکا با چین و روسیه، ایران را به یک پلتفرم^۱ حمایتی تبدیل کند. امری که به دشواری قابل تصور است، و چنین سناریویی نیز شکست خواهد خورد.

۵-۵. اصلاحات اجتماعی سیاسی و اقتصادی

یکی دیگر از تصورات اشتباه دشمنان ایران این است که با افزایش تحریم‌ها با توجه وضعیت اقتصادی و معیشتی مردم، جنبش‌های به اصطلاح عدالت‌طلبی در بستر فضای مجازی بدون آنکه رهبر خاصی داشته باشند شکل خواهد گرفت و این جنبش‌ها با هدف بهبود وضعیت فعلی جامعه به هم مرتبط شده و سعی خواهند نمود که با همراه نمودن عموم توده‌های مردم تغییری در وضعیت فعلی ایجاد کنند. با گسترش و شیوع اعتراضات، حاکمیت برای حفظ نظام مقدس جمهوری اسلامی که طبق نظر امام خمینی که از اوجب واجبات است جهت آرام کردن مردم و حل مشکلاتی ناشی از بحران‌های توزیع و نفوذ دست به تغییرات گسترده و اصلاح ساختارهای اقتصادی و سیاسی کشور خواهد زد. از همین رو، فرض اصلی سناریوی آن است که دولت برای پاسخگویی به اعتراضات اجتماعی و جلوگیری از عمیق شدن مسائل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی با فشار نیروهای تحول‌خواه اصلاح طلب و اعتدالی اقدام به اصلاحات اقتصادی و اجتماعی و سیاسی می‌کند و گشایش نسبی در فضای سیاسی و اجتماعی رخ می‌دهد و آزادی‌های سیاسی تا حدودی گسترش می‌یابد و مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم تا حدودی بهبود می‌یابد و در بلوک قدرت تغییراتی نسبی رخ می‌دهد و رویکردی در جهت همه نیروهای وفادار به انقلاب اسلامی را در دستور کار قرار می‌دهد.

۵-۶. مدل تجزیه

1. Platform



یک محاسبه اشتباه دیگر دشمنان ایران اشتباه در ارزیابی از تنوع فرهنگی ایران است. در واقع اقوام ایرانی در طول قرن ها بلکه هزاره ها در صلح با یکدیگر عجین شده اند. آمریکا در این سناریو قصد دارد مدل فروپاشی شوروی را برای ایران پیاده کند. فرض اصلی این سناریو آن است که ناتوانی حاکمیت در پاسخگویی به مطالبات اجتماعی، سیاسی و مدیریت بحران‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی منجر به گسترش اعتراضات اجتماعی می‌شود که با دخالت قدرت‌های خارجی منجر به فروپاشی نظام جمهوری اسلامی ایران شود؛ لیکن به دلیل فقدان اپوزیسیون قوی و قدرتمند برای به دست گرفتن قدرت سیاسی و فعال بودن نیروهای گریز از مرکز و شکاف‌های قومی مذهبی، کشور ایران به چندین کشور تجزیه می‌شود. علی‌رغم خوش‌بینی که برخی مسئولان نظام در ایران به مذاکره با آمریکا دارند، آمریکایی‌ها هیچ گشایش اقتصادی در ایران نداشته و می‌خواهند اقتصاد ایران در رکود عمیق قرار بگیرد، با کاهش قیمت نفت می‌خواهند کاری کنند که ایران از عمق راهبردی خود عقب‌نشینی کند، یا توان کمک به جبهه مقاومت را نداشته باشد، با فشار منطقه‌ای می‌خواهند ایران را دچار اشتباه محاسباتی کنند، با دوگانگی در حاکمیت و جامعه به دنبال بازگرداندن ایران به مرزهای داخل حاکمیتی خود هستند. تا با تولید یا حمایت از بحران‌ها و آشوب‌های داخلی به مقصود خود برسند.

۵-۷. محاسبات اشتباه دشمنان ایران درباره جنگ

هم‌سویی دو گرایش، یعنی جنگ‌طلبی در آمریکا و رژیم صهیونیستی در یک نقطه به هم تلاقی کرده و به یک رویارویی بزرگ نظامی در خلیج فارس و خاورمیانه بیانجامد. این سناریویی است که رادیکال‌های حزب جمهوری خواه در آمریکا و صهیونیست‌ها به آن گرایش داشته‌اند. آنها باور دارند که کاندیداهای زیادی برای شرکت در این جنگ حاضرند که عربستان سعودی و کشورهای متحد با آن تنها یکی از این بازیگران خواهند بود. اما محاسبات درباره واکنش‌های قدرتمند ایران چه به صورت مستقیم چه به توسط متحدین نیرومند ایران یعنی بازیگران غیر دولتی در منطقه و هم این‌طور واکنش‌های

احتمالی سیاسی چین و روسیه سبب می شود که این سناریو سناریویی با محاسبات اشتباه ارزیابی شود.

۵-۸. صلح خاورمیانه

فرض اصلی در این سناریو آن است که پاشنه آشیل آمریکا در سیاست خارجی مسئله خاورمیانه است. خاورمیانه باید یکبار و برای همیشه بازآرایی شود. حل پایدار مسئله خاورمیانه به معنای (۱) تغییر وضعیت و (۲) تغییر رفتار بازیگران اصلی در این منطقه خواهد بود. اگرچه منطقه خاورمیانه در دوران کاهش قیمت نفت و کاهش درآمدهای نفتی، نمی تواند منطقه ای مهم به اندازه گذشته باشد، اما فقدان حضور آمریکا در این منطقه به معنای خالی کردن زمین بازی برای رقیب راهبردی آمریکا یعنی روسیه است. در این وضعیت، گام کلیدی، کاهش مناطق تحت نفوذ ایران و حذف ایران از بازیگری در منطقه است. از آنجایی که آمریکا می داند هر نوع مداخله آمریکا در مناطق تحت نفوذ ایران منجر به تحریک ایران و اقدام متقابل ایران خواهد شد؛ لذا تلاش دارد تا احتمال نبرد نامتقارن و ناامنی در آمریکا را به کمترین میزان ممکن رساند. افزایش فشارها بر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گام دوم در این کاهش احتمال است. در مقابل تقویت عربستان سعودی در جهت بازبینی قدرت منطقه ای که در دوران داعش و به واسطه شکست داعش رو به کاهش رفته بود؛ به صورت موازی پیگیری می شود. این امر از طریق ایجاد مسئله های جدیدی مانند فعالیت های اقلیم کردستان می تواند ایران و ترکیه را وارد مسائل جدیدی کند؛ تا قلمرو فعالیت های منطقه ای ایران به سمت مرزهای این کشور بازگردد.

۵-۹. مهار منطقه ای

آمریکا به این جمع بندی رسیده است که یک گزینه نظامی در مقابل ایران، تقریباً غیرممکن، تضمین نشده و بسیار پرهزینه است که منابع آمریکا و شرکای آنها را به شدت با ریسک و آسیب روبرو می کند. لذا از آنجاکه باید برای نجات هژمونی آمریکایی و منافع خاورمیانه ای و حیات شرکای خود، کاری بکنند، مجموعه ای از



گزینه‌های رسانه‌ای، عملیات روانی، اطلاعاتی و سیاسی و اقتصادی را باهدف بحران-سازی و پرهزینه کردن سیاست منطقه‌ای ایران در دستور کار مشترک آمریکا، رژیم صهیونیستی و چند کشور عربی قرار گرفته تا از یک سو از به ثمر نشستن موفقیت‌های منطقه‌ای ایران جلوگیری نمایند و از سوی دیگر در سیاست تهاجمی صهیونیستی و برای نابودی قضیه فلسطین، به‌عنوان مقدمه‌ای جدید از ائتلاف‌سازی علیه ایران، یک جهش را ثبت نمایند. مهم‌ترین اقدام مشترک آمریکایی و رژیم صهیونیستی که رسانه‌های عربی نیز سهم مهمی برای به ثمر نشستن آن به عهده‌دارند و به موازات فشارهای اقتصادی بیشتر و هماهنگی با جریان‌های غرب‌زده داخلی و شبکه‌ای از مزدوران آموزش‌دیده و منافقین و ... دنبال خواهد شد، دولت و نظام را به‌طور یکجا هدف قرار خواهند داد که از طریق شورش اجتماعی و اعتراضات عمومی که باید به شعارهای سیاسی و امنیتی تبدیل شوند، از طریق فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی و راهبری رسانه‌های انگلیسی و ...، تحریک و گسترش خواهد داشت. هدف‌گذاری این شورش اجتماعی از نگاه طراحان این‌گونه خواهد بود که ظرفیتی بیش از به چالش کشیدن نقش منطقه‌ای ایران داشته و براندازی از درون و فشار از بیرون را تسهیل نماید.

۵-۱۰. تغییر رفتار ایران

نظریه‌پرداز ترمی دور^۱ انقلاب یک آمریکایی به نام کرین بریتون^۲ است. او چهار انقلاب از جمله انقلاب فرانسه را بررسی کرده و پس‌از آن نظریه‌ای داده است. آمریکایی‌ها به شدت به این نظریه اعتقاد دارند. این نظریه می‌گوید: «انقلاب‌ها از یکجایی شروع می‌شوند و بعد به همان نقطه‌ای که بودند بازگشت داشته و در نهایت به قبل انقلاب برمی‌گردند؛ یعنی انقلاب‌ها ارزش‌ها را تغییر می‌دهند، ساختارها را تغییر می‌دهند اما به‌مرور به ارزش‌ها و ساختارهای قبل از انقلاب برمی‌گردند. به این دوری که انقلاب‌ها می‌زنند؛ ترمی دور انقلاب می‌گویند» (شبان‌نیا، ۱۳۹۱: ۱۲۶-۱۲۵). در این سناریو، ایران باید حساسیت‌های انقلابی و توان دفاعی خود را از دست داده؛ فضای سیاسی کشور تغییر

1. Thermidor
2. Crane Brinton

و وضعیت دوقطبی در جامعه و حاکمیت شکل بگیرد. به عبارت دیگر روندی که برخی مسئولان کشور در مقاطعی پیگیری نموده‌اند؛ ادامه خواهد داشت تا القاء شود که راهی جزء تعامل با آمریکا وجود ندارد. آمریکایی‌ها به دنبال آن هستند که اقتصاد ایران در همین حالت رکود باقی‌مانده و فشارهای منطقه‌ای افزایش یابد یا اینکه باید با ما مسائلتان را حل کنید. در حال حاضر در ایران، عده‌ای عقیده دارند: اگر ما با آمریکا تعامل کنیم به قدرت اول منطقه تبدیل خواهیم شد. اما تجارب گوناگون نشان داده است که شماری از دولت‌ها از جمله مصر یا پاکستان گرچه جزو متحدین آمریکا هستند اما توسعه نیافته و به مراتب در مقایسه با ایران در شاخص‌های رفاه ضعیف محسوب می‌شوند.

۵-۱۱. پلیس بد و خوب

در این سناریو کنترل ایران تنها از طریق سخت‌گیری بر ایران و سوق دادن او به سوی رفتار محافظه‌کارانه امکان‌پذیر است. آمریکا این فرض را دارد که هرچقدر بر ایران سخت‌گیری شود؛ رفتار ایران کنترل‌پذیرتر خواهد بود. در این سناریو، آمریکا تمایلی به شکست کامل برجام ندارد اما فرض راهبردی آمریکا آن است که در صورت عدم وجود یک پلیس بد، ایران ممکن است بدون ملاحظه به افزایش قدرت و حیطه فعالیت خود در منطقه و جهان بپردازد. به این ترتیب ایجاد یک فضای خوف‌ورجا می‌تواند اصلی‌ترین سازوکار تنظیم رفتار در دوران برجام باشد. به این ترتیب آمریکا سیاست متفاوتی از اروپا در قبال ایران داشته است. در این تقسیم نقش آمریکا اساساً نقش پلیس بد در دنیا را ایفا می‌کند. به این ترتیب گروه‌هایی در ایران با آگاهی از این سناریو تلاش می‌کنند تا اندک عقب‌نشینی نداشته باشند. آن‌ها باور دارند که فشار آمریکا هیچ نقطه توقفی ندارد و فشار را بر ایران ادامه خواهد داد. ادامه آزمایش‌های موشکی یا کنش‌های نمادین در تقابل با آمریکا در این سناریو مشروعیت می‌یابد و ایران توانایی هایش را بیشتر توسعه خواهد داد.

یکی از ویژگی‌های سناریونویسی، ناسازگاری سناریوهای تولیدشده، با همدیگر است. با توجه به اتخاذ روش‌های مختلف توسط آمریکا در بروز انواع دشمنی با ایران در گذشته،



حال و آینده شواهد آینده نشان خواهد داد که آمریکا در کدام یک از سناریوهای یازده گانه چه نوع نقشی، بازی می کند. سناریوهایی که برای ایران معانی مختلف و در نتیجه واکنش های متنوعی خواهد داشت. شناسایی سناریوهای خصمانه استکباری آمریکا و رژیم صهیونیستی می تواند به موفقیت بیشتر جمهوری اسلامی ایران در مسیر پیشرفت با اتکال به خداوند موثر واقع شود.

نتیجه گیری

در خصوص سناریوهای روندهای اجتماعی، اقتصادی جمهوری اسلامی ایران، یازده سناریو تنظیم گردید که هر یک از این سناریوها از زوایایی به مسائل متعدد فراروی جمهوری اسلامی ایران اشاره می نماید که در چشم انداز کوتاه مدت امکان تحقق سناریوهای ادامه وضعیت کنونی، تلاش دشمنان برای اجماع علیه ایران، تلاش برای تغییر رفتار ایران و پلیس بد و خوب محتمل تر بوده و در چشم انداز میان مدت، امکان وقوع سناریوهای الگوی احیای برجام، بهبود اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، تلاش دشمنان برای حل مسئله خاورمیانه، و تلاش برای مهار منطقه ای محتمل است. در نهایت می توان گفت: راهبردهای مدیریت مسائل در کشور عبارت اند: (۱) مقابله با کاهش ارزش پول ملی؛ (۲) مبارزه با تمامی مظاهر فساد بدون هیچ گونه اغماض در بین متصدیان امر و مردم؛ (۳) تمرکز برافزایش رفاه عمومی، کنترل ضریب جینی و ترمیم فاصله طبقاتی و توجه به دهک های با درآمد پائین و متوسط می باشند؛ (۴) بازنگری و ترمیم سیاست های اقتصادی با محوریت اجرای سیاست های اقتصاد مقاومتی و رونق تولید و اشتغال و مدیریت راهبردی واحد در اقتصاد کشور؛ (۵) مقابله با شدت یابی بحران های اجتماعی؛ (۶) مدیریت افکار عمومی؛ (۷) احتراز از سیاست های تورم زا؛ (۸) با توجه به نقش کم - نظیر و فزاینده رسانه های مجازی در تسریع و تشدید اعتراض ها و بحران ها، شبکه سازی و سازمان دهی اغتشاشات و شکل دهی به جنبش های نوین اجتماعی، ضروری است نظام تصمیم گیر کشور به جد وارد صحنه شده و زیرساخت های لازم را به منظور مدیریت و کنترل این فضا و محیط فراهم نمایند.

منابع

- احمدی نوحدانی، سیروس (۱۳۸۶)، قوم‌شناسی سیاسی آفریقا. مرکز مطالعات آفریقا. دانشگاه تربیت مدرس. تهران: انتشارات صنم.
- بخشی، احمد (۱۳۸۲)، بازسازی جوامع دچار جنگ و جلوگیری از منازعات مرگبار، کتاب آفریقا؛ ویژه منازعات مسلحانه. تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- پیشگاه هادیان، حمید (۱۳۸۲)، کتاب آفریقا؛ ویژه منازعات مسلحانه. تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- پیشگاهی فرد، زهرا (۱۳۹۲)، «مناقشات منطقه شاخ آفریقا، ماهیت و ریشه‌ها»، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای. صص ۱۶۱-۱۳۴.
- تامسون الکس (۱۳۸۵)، مقدمه‌ای بر سیاست و حکومت در آفریقا. ترجمه علی گلیانی و احمد بخشی. تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۸۷)، ژئوپلیتیک جدید دریای سرخ و خلیج فارس. چاپ سوم. دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- چگینی‌زاده، غلامعلی؛ هادی تاجیک و نبوی، سید مهدی (۱۳۹۲)، «تاثیر تحولات سوریه بر الگوی تعاملی ایران و ترکیه؛ الگوی مفهومی و نظری»، فصلنامه آفاق امنیت، سال ششم، شماره بیستم، پاییز ۱۳۹۲، صص ۱۱۰-۶۱.
- حسینی، محمدجواد (۱۳۸۶)، «دلایل شکست دادگاه‌های اسلامی شریعت سومالی»، فصلنامه مطالعات آفریقا. صص ۳۰۹-۳۰۱.
- حسینی، محمدجواد (۱۳۸۷)، «بررسی بحران سومالی». فصلنامه مطالعات آفریقا. صص ۲۳۳-۱۸۱.
- خطیبی، عذرا (۱۳۷۶)، شاخ آفریقا در آینه زمان. تهران: انتشارات بنیاد بعثت.
- عبدالله خانی، علی (۱۳۸۹)، نظریه‌های امنیت، تهران: ابرار معاصر.
- کورنون، ماریان (۱۳۶۵)، تاریخ معاصر آفریقا؛ از جنگ جهانی دوم تا امروز. ترجمه ابراهیم صدقیانی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- مبارک، عبدالقادر (۱۳۸۶)، مخاصمات مسلحانه در آفریقا؛ نقش سازمان ملل متحد در پیشگیری، خاتمه و صلح سازی. پایان‌نامه دکتری حقوق بین‌الملل. دانشکده حقوق دانشگاه تهران.



مصفا، نسرين و زرگری، هادی (۱۳۹۳)، «اسناد بین‌المللی حقوق بشری: پذیرش و عدم اجرا در آفریقا». *مجله سیاست جهانی*. دوره ۳، شماره ۲. صص ۱۲۷-۱۰۱.

مصفا، نسرين و مختارزاده، سعیده (۱۳۹۵)، «بررسی حمایت حقوقی از زنان قربانی آثار تغییرات اقلیم؛ با مطالعه اسناد منطقه‌ای آفریقا»، *فصلنامه حقوق بشر*. دوره یازدهم. شماره ۱، صص ۴۴-۲۱.

منصوری، جواد (۱۳۸۵)، *استعمار فرانسه؛ نظام سلطه در قرن بیست و یکم*. تهران: انتشارات امیرکبیر.

هلد دیوید (۱۳۸۴)، *مدلهای دموکراسی*. ترجمه عباس مخبر. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.

César Fernandes Cardoso, Nilton. (2016), Regional security in the Horn of Africa: conflicts, agendas and threats. *Brazilian Journal of African Studies* v.1, n.2. P.131-165.

Desmidt, Sophie, Volker Hauck. (2017), Conflict management under the African Peace and Security Architecture (APSA). (Discussion Paper 211). Maastricht: ECDPM.

Joshua, Segun, Faith Olanrewaju. (2017), The AU 's Progress and Achievements in the Realm of Peace and Security. *Indian Council of World Affairs* Vol. 73, No. 4.

G.R Olsen, (1991), Cooperation and Conflict. *Nordic Journal of International Studies*, Vol 36, No 1, P. 21.

Siphamandla Zondi, (2017), African Union approaches to peacebuilding: Efforts at shifting the continent towards decolonial peace. *African Journal on Conflict Resolution*. Vol. 17 No. 1.

T. Copp, (2019), Understaffed AFRICOM cutting hundreds more troops, Stars and Stripes. Available at: <https://www.militarytimes.com/news/your-military/2019/02/20/understaffed-africom-cutting-hundreds-more-troops/>

White House. (2018), Remarks by National Security Advisor Ambassador John R. Bolton on the Trump Administration 's New Africa Strategy. 2018 Des . 2018.

United States Africa Command. (2019), Statement of General Thomas D. Waldhauser, United States Marine Corps Commander United States Africa Command Before the Senate Committee on Armed Services.

Abbink, Jon. (2020), Religion and Violence in the Horn of Africa: Trajectories of Mimetic Rivalry and Escalation between 'Political Islam' and the State. *Politics, Religion & Ideology*. 21:2, 194-215.

African Charter on Democracy, Elections and Governance 2007. Addis Ababa.

African Union (AU) (2000), Constitutive Act of the African Union adopted by the Thirty-Sixth Ordinary Session of the Assembly of Heads of State and Governmen Lomé, Togo.

African Union (AU) (2006), Policy on Post-Conflict Reconstruction and Development. adopted at the 9th Ordinary Session of the Executive Council, Banjul, The Gambia. Available at: <http://www.peaceau.org/uploads/pcrd-policy-framwovork-eng.pdf>

- African Union (AU). (2004), Solemn Declaration on Common African Defence and Security Policy. adopted by the 2nd Extraordinary Session of the Assembly of the African Union, Sirte. Available at: <http://www.peaceau.org/uploads/declaration-cadsp-en.pdf>
- African Union Declaration on the Principles Governing Democratic Elections in Africa 2002. A. AHG/ Decl., (XXXVIII)1.
- African Union (2005). Report of the Chairperson of the African Union Commission on conflict situations in Africa. Executive Council, Seventh Ordinary Session. Sirte, Libya. EX.CL/191 (VII).
- All Africa (2010), New Policy to Tackle Disaster Risk in Ethiopia. All Africa. Available at: <http://allafrica.com/view/group/main/main/id/00011809.html>
- Anderson, D. & J. McKnight. (2015). Kenya at war: Al-Shabaab and its enemies in Eastern Africa. African Affairs, 114 (454): 1–27. Available at: <https://academic.oup.com/afraf/articlelookup/doi/10.1093/afraf/adu082>
- China. (2018), D. Axe,s naval furure: 6 aircraft carriers? National Interest. Available at: <https://nationalinterest.org/blog/buzz/chinas-naval-future-6-aircraft-carriers-۳۸۰۸۷>
- Ayoob, Mohammed. (1995), the Third World Security Predicament: State Making Regional Conflict and the International System; Boulder: Lynne Rienner.
- Beichelt, T. (2012), The research field of democracy promotion. Living Reviews in Democracy. Available at: <https://www.lrd.ethz.ch/index.php/lrd/article/view/27/40>
- Börzel, T. A. and Risse, T. (2012), From Europeanisation to diffusion: Introduction. West European Politics. 35/1. pp. 1–19
- Burke, J. (2017), Al-Shabaab militants ban starving Somalis from accessing aid. The Guardian. Available at: <https://www.theguardian.com/world/2017/jul/27/al-shabaab-militants-ban-starving-somalisfrom-accessing-aid>
- Buzan, Barry. (1991), People, States and Fear: An Agenda for International Security Studies in the Post-Cold War Era. London: Harvester Wheatsheaf.
- Buzan, Barry; WÆver, Ole; and Wilder, Jaap. (1998), Security: A new framework for analysis. Boulder: Lynne Rienner.
- Cafiero, Giorgio. (2019), Sudan’s Suspension From The African Union. available at: <https://lobelog.com/sudans-suspension-from-the-african-union/>
- Commission of the African Union, African Youth Charte. (2006a), Available at: <http://www.africa-youth.org/charter>
- Commission of the African Union, Policy on Post-Conflict Reconstruction and Developmet (2006b), Available at: <http://www.peaceau.org/uploads/pcrd-policy-framwovork-eng.pdf>
- Cooper, Z. (2018), Security implications of China’s military presence in the Indian Ocean. CSIS Briefs. Available at: <https://www.csis.org/analysis/security-implications-chinas-military-presence-indian-ocean>
- Hamid, Ebrahim. (2019). AU lifts Sudan suspension after Khartoum announces cabinet. available at: <https://www.rfi.fr/en/africa/20190907-sudan-african-union-lifts-suspension-khartoum-new-cabinet-bashir>
- Simon, Homer Somalia: (1997), Can the Jigsaw be pieced Together. Commission of the European Communities in Brussee. No 46. PP, 162.

- Kanyinga, Karuti and Long, James D. (2012), The Political Economy of Reforms in Kenya: The Post-2007 Election Violence and a New Constitution. *African Studies Review*. 55/1. pp. 31–51.
- Laibuta, Mugambi. (2014), The African Union and Kenya's. International Institute for Democracy and Electoral Assistance. SWEDEN.
- Lawson, F. H. (2017), GCC policies toward the Red Sea, the Horn of Africa and Yemen: Ally–Adversary dilemmas. *Gulf Affairs*. p. 6–7.
- Mengisteab, K. (2014), The Horn of Africa. Cambridge, UK: Polity Press.
- Olsen, G.R. (1991), Cooperation and Conflict. *Nordic Journal of International Studies*, Vol 36, No 1, P.21.
- Organisation of African Unity (OAU) (1990), Declaration on the Political and Socio-Economic Situation in Africa and the Changes Taking Place in the World. Addis Ababa, Ethiopia.
- Organisation of African Unity (OAU) (2000), Lomé Declaration of July 2000 on the Framework for an OAU Response to Unconstitutional Changes of Government. AHG/Decl. 5 XXXVI, 10-12 July 2000. Available at: http://www2.ohchr.org/english/law/compilation_democracy/lomedec.htm
- Organisation of African Unity (OAU). (1999), Algiers Declaration, Thirty-Fifth Ordinary Session of OAU. AHG/Decl. 1 (XXXV). Available at: http://www.au2002.gov.za/docs/summit_council/algiers.pdf
- Organisation of African Unity (OAU). (1995), Relaunching Africa's Economic and Social Development: The Cairo Agenda for Action', AHG/Res. 236 (Xxxi), adopted by the Council of Ministers of the OAU at its 17th extraordinary session, Cairo, 25–28 March 1995
- Osborn, K. (2018), Aircraft carriers, stealth fighters and lots of missiles: China's military has arrived. *National Interest*. available at: <https://nationalinterest.org/blog/buzz/aircraft-carriers-stealth-fighters-and-lots-missiles-chinas-military-has-arrived-29892>
- Park, J. and Ahmad, A. (2018), Risky business: South Korea's secret military deal with UAE. *The Diplomat*. available at: <https://thediplomat.com/2018/03/risky-business-south-koreas-secret-military-deal-with-uae/>
- Pilling, D. (2018), Everyone wants a piece of the Horn of Africa's ports. *OZY*. available at: <https://www.ozy.com/around-the-world/everyone-wants-a-piece-of-the-horn-of-africas-ports/90536/>
- Protocol Relating to the Establishment of the Peace and Security Council of the African Union 2002 b, adopted by the 1st Ordinary Session of the Assembly of the African Union, Durban.
- Rupiya, Martin. (2008), interrelated Security Challenges of Kenya and Uganda in Eastern and Horn of Africa. available at: <https://interafrica-group.org/wp-content/uploads/pdf/peace-and-securityfinal.pdf>
- Schimmelfennig, F. (2009), Europeanization beyond Europe. *Living Reviews in European Governance*. 4/3. pp. 1–22.
- Tesfatsion Medhanie. (1995), Eritrea & Neighbours in The "New World Order": Geopolitics, Democracy And "Islamic Fundamentalism". Münster: Lit Verlag.
- UNDP and AU. (2019), Conflict Prevention and Early Warning Division workshop, Addis Ababa.

UNDP and UNECA. (2013), Elections and the Management of Diversity, African Governance Report III. Oxford: Oxford University Press .

US Department of Defense. (2018). Assessment on US defense implication of China 's expanding global.

USAID. (2014), Climate Change and Conflict: Findings and Lessons Learned From Five Case Studies in Seven Countries, ARD Tech Tetra. Washington.

Van den Berg, W. and Meester, J. (2018), Ports & power: The securitisation of port politics, Maritime Insecurity Dilemmas amidst a New Scramble for the Horn? Life & Peace Institute, Horn of Africa Bulletin, vol. 30. no. 2. pp. 13–19.

Walsh, Declan. (2019), The Fall of Omar Hassan al-Bashir, the ‘Spider’ at the Heart of Sudan’s Web. available at: <https://www.nytimes.com/2019/04/11/world/africa/omar-bashir-sudan.html>

Wasara, Samson. (2002), Conflict and State Security in the Horn of Africa: Militarization of Civilian Groups. African Journal of Political Science, vol.7 no.2.

۲۴۷



سیاست جهانی